



نگاهی به تاریخ شکل‌گیری و تکوین حوزه‌های علمیه

اشاره:  
حوزه علمیه، نامی مقدس است که در طول تاریخ با ویژگی‌هایی از قبیل: دین، تعهد، علم، فرزادگی، جهاد، ارزش‌ها و... پیوند عمیق و وثیق داشته است. آشنایی با چگونگی شکل‌گیری این نهاد علمی - معنوی؛ از جمله مسائلی است که نه تنها انسان را با تاریخ دگرگونی حوزه‌ها آشنا می‌سازد، بلکه بر اهمیت آن به اعتبار بنیانگذار آن صخه می‌گذارد.

# مسجدی به وسعت یک دانشگاه



علی اکبر عالمیان

پیامبر گرامی اسلام ﷺ با  
تشکیل حلقه‌های درسی  
در مسجد، نخستین گام  
را در راستای بسط علوم و  
فرهنگ اسلامی برداشتند.

بِأَنزُولِ آيَةٍ مَّعْرُوفٍ «نُفِر» - وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً  
فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ  
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ<sup>۱</sup> - بنای حوزه‌های علمیه دینی  
نهاده شد؛ زیرا برای تبیین دین اسلام نیاز به متخصصانی  
برای شناختن و شناساندن حقایق اسلام در ابعاد مختلف  
بود و برای این که جامعه در مسیر خود جهتی صحیح  
داشته باشد و از انحراف بپرهیزد، ضرورت وجود این  
متخصصان بیش از پیش احساس می‌شد. از این رو باید  
پیامبر گرامی اسلام ﷺ را مؤسس و بنیانگذار حوزه‌های  
علمیه قلمداد کرد؛ چرا که با تشکیل حلقه‌های درسی در  
مسجد، نخستین گام را در راستای بسط علوم و فرهنگ  
اسلامی برداشتند. استاد شهید مرتضی مطهری پیرامون این  
قضیه می‌گوید:

«علوم و فرهنگ اسلامی و به طور کلی تمدن اسلامی  
تدریجاً رشد کرد و بارور شد. جوشش و جنبش علمی  
مسلمین از مدینه آغاز شد. اولین کتابی که اندیشه مسلمین  
را به خود جلب کرد و مسلمین در پی درس و تحصیل آن  
بودند، قرآن و پس از قرآن، احادیث بود. این بود که اولین  
حوزه علمیه در مدینه تاسیس شد. برای اولین بار عرب  
حجاز در مدینه با مسئله استادی و شاگردی و نشستن  
در حلقه درس و حفظ و ضبط آنچه از استاد می‌شنود،  
آشنا شد. مسلمین با حرص و ولع فراوانی آیات قرآن  
را که تدریجاً نازل می‌گشت فرا می‌گرفتند و به حافظه  
می‌سپردند و آنچه را نمی‌دانستند، از افرادی که رسول خدا  
آن‌ها را مأمور کتابت آیات قرآن کرده بود و به کتاب وحی  
معروف بودند، می‌سپردند. به علاوه بنا به توصیه‌های مکرر  
رسول خدا ﷺ، سخن آن حضرت را که به سنت معروف  
بود، از یکدیگر فرا می‌گرفتند. در مسجد پیغمبر ﷺ رسماً  
حلقه‌های درس تشکیل می‌شد. در آن حلقه به بحث و  
گفت‌وگو درباره مسائل اسلامی و تعلیم و تعلم پرداخته  
می‌شد.

بعد از مدینه، عراق محیط جنب و جوش علمی گشت. در  
عراق ابتدا دو شهر بصره و کوفه مرکز علم بودند، اما پس  
از بنای بغداد، آن شهر مرکز علمی شد و در آن شهر بود  
که علوم ملت‌های دیگر به جهان اسلام منتقل شد. بعدها،  
ری و خراسان و ماوراءالنهر و مصر و شام و... هر کدام به  
صورت یک مهد علمی درآمدند.<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم ﷺ از نخستین روزهای بعثت، دعوت به اسلام



در مسجد پیغمبر ﷺ رسماً حلقه‌های درس تشکیل می‌شد. در آن حلقه به بحث و گفت‌وگو درباره مسائل اسلامی و تعلیم و تعلم پرداخته می‌شد.

نظر به این که محتوای دعوت پیامبر ﷺ محتوای همان دعوتی است که حوزه‌های علمیه در صدد ترویج آن هستند، می‌توان به نوعی حضرت را مؤسس و بانی حوزه‌های علمیه دانست.

بن گمان اوج شکوفایی و گسترش علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه به زمان دو تن از امامان شیعه، امام محمد باقر ﷺ و امام جعفر صادق ﷺ برمی‌گردد.

نیز در قالب ادعیه بلندی که انشاء می‌فرمود، مسئولیت نشر معارف دینی را به انجام رسانید؛ اما بی‌گمان اوج شکوفایی و گسترش علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه به زمان دو تن از امامان شیعه، امام محمد باقر ﷺ و امام جعفر صادق ﷺ برمی‌گردد. در این دوران، دولت اموی رو به ضعف نهاد. این ضعف موجب ایجاد فترت در فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه شد، فعالیت‌های علمی رواج یافت و عملاً شهر مدینه تبدیل به حوزه عظیم درسی شد.<sup>۴</sup> امام باقر ﷺ با تشکیل حلقه‌های درس و گفت‌وگو پیرامون مسائل مختلف اسلامی، قریب به پانصد شخصیت و عالم نامدار اسلامی در زمینه فقه، اصول عقاید، تفسیر و سایر رشته‌های علوم اسلامی تربیت نمود که همه آن‌ها بعدها شهرت جهانی یافتند. در واقع می‌توان دوران امامت ۱۹ ساله آن حضرت را دوران دوم افتتاح دانشگاه بزرگ اسلامی در مدینه نام نهاد چرا که حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی که در پی حوادث پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ رو به ضعف نهاده بود، دوباره جانی تازه گرفت و رونق بیش از حد یافت.<sup>۵</sup> پس از شهادت امام باقر ﷺ حوزه بزرگ مدینه به سرپرستی و هدایت امام جعفر صادق ﷺ به رشد و بالندگی خود ادامه داد. آن حضرت - که بنیان‌گذار فقه جعفری نیز بود - با تربیت هزاران شاگرد فاضل، سهمی بسیار مهم در شکل‌گیری و تسدید پایه‌های علوم اسلامی و حوزه‌های علوم دینی داشت. در این دوران نه تنها در رشته‌های مختلف علوم دینی شاگردان نامداری در مکتب امام صادق ﷺ تربیت شدند، بلکه حتی در علوم پایه نیز افراد بزرگی مانند جابر بن حیان - پدر علم شیمی - پرورش یافتند. در این عصر، در رشته‌های مختلف و فنون گوناگون علمی، شاگردان ممتازی به دست توانای حضرت امام صادق ﷺ تربیت شدند و دانشگاه بزرگ اسلامی را در جهان دانش نامدار کردند. از این رو می‌توان گفت که دوران امامت امام

و آیین توحید را آغاز کرد و در دوران رسالت در مکه و مدینه، ایشان موفق شد تا گروه عظیمی از مردم را به دین اسلام فرا خواند. سه سال اول بعثت، دعوت صورت خصوصی داشت و از محدوده خویشاوندان و آشنایان فراتر نمی‌رفت و این از شرایط حاکم بر محیط ناشی می‌شد. با نزول آیه «فَاذْعُبْ بِنَا تَوْمُرًا»<sup>۶</sup> - آنچه را مأمور گردیده‌ای، آشکار کن - دوران دعوت عمومی پیامبر شروع شد و آن زمانی بود که چهل نفر پیش از آن به دین اسلام گرویده و پایه‌های اجتماعی دینی مسلمانان نیرو گرفته بود و مسلمانان به مثابه گروهی صاحب اندیشه و دینی که بر پایه توحید استوار است، شناخته شدند. نظر به این که محتوای دعوت پیامبر ﷺ همان دعوتی است که حوزه‌های علمیه در صدد ترویج آن هستند، می‌توان به نوعی حضرت را مؤسس و بانی حوزه‌های علمیه دانست. حضرت محمد ﷺ برای ابلاغ رسالت و آموزش مکتب توحید، نخستین گام را در تأسیس حوزه‌های علمیه برداشت و به فرمان الهی دین اسلام را به مردم عصر جهالت و شرک آموخت و آنان را به عصر ایمان و توحید رسانید. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و پایان عصر رسالت، حضرت علی ﷺ به عنوان جانشین پیامبر، سیره آن حضرت را ادامه داد. امیرالمؤمنین ﷺ با تربیت اصحابی عالم و فاضل مانند: مقداد، عمار، کمیل بن زیاد و ده‌ها شخصیت نامدار دیگر، به بالندگی و تکوین حوزه‌های علمیه کمک نمود. پس از شهادت مظلومانه آن امام، سلطه مستبدانه معاویه و فرزندش یزید، بر بلاد اسلامی گسترش یافت. دولت اموی با نقل هرگونه حدیث و انتقال معارف اصلی اسلام مخالفت نمود و با تلاش فراوان در جهت هدم ریشه و اساس دین همت گماشت. در این دوران؛ علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه با رکود چشمگیر مواجه شده بود. امام حسن ﷺ مجبور به صلح شد، امام حسین ﷺ نیز با قیام خونین خود در برابر انحرافات فرهنگی و ضد دینی ایستادگی نمود و امام زین‌العابدین ﷺ





گماشتند. بعد از رحلت شیخ مفید، شاگردان نامدار او مانند «سید مرتضی» و «سید رضی» با توجه به امکاناتی که در اختیار داشتند، حوزه‌های شیعی در بغداد تأسیس نمودند که به نام «دارالعلم» خوانده می‌شد.

در واقع نخستین دارالعلم شبانه‌روزی جهان اسلام، به

دست توانمند «سید رضی» در شهر بغداد به وجود آمد. در این مکان علاوه بر آن‌که شاگردان، تعلیم و پرورش می‌یافتند، هزینه تحصیلی آنان نیز تأمین می‌شد. به همین علت باید قرن پنجم را سر آغاز عصری جدید در تأسیس و پالندگی حوزه‌های علمیه شیعه نامید چرا که با تأسیس «دارالعلم»، گامی جدی در تکامل حوزه علمیه برداشته شد.

#### تأسیس اولین حوزه مستقل

بی‌شک باید آغاز تاریخ تأسیس حوزه‌های علمیه شیعه به شیوه سنتی را از سال ۴۴۷ هـ. ق و به دست توانمند شیخ طوسی، شاگرد نامدار سید مرتضی محسوب نمود. شیخ طوسی پس از رحلت سید مرتضی، مدیریت حوزه شیعی بغداد را به عهده گرفت و به تربیت شاگردان شیعی و غیرشیعی فراوان پرداخت، اما با انقراض خاندان آل بویه و پرورش طغرل بیک، سرسلسله سلجوقیان، به محلات شیعه‌نشین بغداد و آتش زدن کتابخانه مهم و گرانقدر شیعه و محلات کرخه «بغداد» و از آن جمله کتاب‌ها و کرسی درسی شیخ الطائفه، وی ناگزیر به نجف اشرف هجرت نمود و در جوار مرقد مطهر امیرالمؤمنین

باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، دوران گسترش چشمگیر حوزه‌های علمیه بوده است. در واقع اولین حوزه منسجم، کلاسیک و تشکیلاتی علوم دینی در همین دوران شکل گرفته و بنیان نهاده شد.

این تشکیلات هر چند مجهز به سیستم آموزشی ممتاز بود، اما دارای سازمانی ساده و بی‌زرق و برق بوده که تمام سعی اش تربیت و تعلیم نخبگان شیعی در سطوح مختلف علمی بود. از این روی جامعه شاهد طلوع چهره‌های درخشان عالم علم و دانش شده بود که در حوزه درسی این دو امام بزرگوار به اوج کمالات و علوم رسیده بودند، به طوری که خدمات دینی و علمی و معنوی آنان تا قرن‌ها بعد موجب گره‌گشایی بسیاری از معضلات جامعه تلقی می‌شد، اما با تمام این تفصیلات، با ایجاد سیاست مستبدانه حاکمان سلسله عباسی، فضایی مملو از اختناق و وحشت و فشار بر جامعه مستولی شد و در نتیجه، این حوزه غنی و پرثمر علمی پس از این‌که به مدت دو سال به شهر کوفه منتقل شد، بر اثر فشار حاکمان وقت، عملاً تعطیل گردید.

این تعطیلی در زمان ائمه بعدی نیز ادامه یافت، چرا که سیاست فشار و ارباب حاکمان زمان، سخت‌تر از گذشته اجرا می‌شد. این سیاست تا قرن چهارم هجری ادامه یافت، اما پس از آن با تضعیف حکومت عباسیان و ظهور دولت آل بویه که یک دولت شیعی به حساب می‌آمد، شیعیان به جایگاه اجتماعی خود دست یافتند و با ایجاد فضای آزاد نسبی که صورت پذیرفته بود، در صد احیای حوزه‌های درسی و نشر معارف اسلامی برآمدند. در همین قرن بود که عالم برجسته زمان یعنی «شیخ مفید» با استفاده از فرصت به دست آمده، در شهر بغداد - که از مراکز بزرگ علمی به شمار می‌آمد - حوزه درسی تشکیل داد و حوزه قوی شیعی را در مسجد «برائا» بنیان نهاد. در محضر شیخ مفید، شاگردان و عالمان برجسته‌ای تربیت یافتند که همگی بعدها علاوه بر این‌که موجب نشر فقه اصیل شیعه شدند، غیر از آن به تشکیل حوزه علمیه منسجم و پربار همت

در واقع می‌توان دوران امامت ۱۹ ساله امام باقر علیه السلام را دوران دوم افتتاح دانشگاه بزرگ اسلامی در مدینه نام نهاد چرا که حوزه‌های علمیه و علوم اسلامی که مدتی رو به ضعف نهاده بود، دوباره جانی تازه گرفت.

دوران امامت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام دوران گسترش چشمگیر حوزه‌های علمیه بوده است. در واقع اولین حوزه منسجم، کلاسیک و تشکیلاتی علوم دینی در همین دوران شکل گرفته و بنیان نهاده شد.

باید قرن پنجم را سرآغاز عصری جدید در تأسیس و بالندگی حوزه‌های علمیه شیعه نامید؛ چرا که با تأسیس «دارالعلم»، گامی جدی در تکامل سازمان حوزه علمیه برداشته شد.



در دوره‌های نخستین حوزه علمیه کوفه، سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) از سوی اصحاب خاص آن حضرت، تفسیر می‌شد.

علی (علیه السلام) رحل اقامت افکند و آنجا را به صورت پایگاه دانش و دین درآورد و نخستین حوزه بزرگ شیعه به شیوه سنتی را بنیان نهاد. تلاش چشمگیر و توان بالای علمی شیخ (علیه السلام) موجب رونق‌پذیری حوزه نجف شد به طوری که بعدها و در طی قرون متمادی هزاران فقیه، اصولی، متکلم، فیلسوف و مفسر و دیگر نوابغ علمی در این مرکز بزرگ تربیت شدند. بعدها به تبعیت از حوزه نجف، حوزه‌های پربار دیگری در سایر شهرها و بلاد تشکیل گردید که هر کدام از آنها در بسط و تشریح علوم آل محمد (علیهم السلام) نقش سترگ و قابل تأملی داشته‌اند.

#### مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه

از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه، می‌توان موارد ذیل را به اختصار ذکر کرد:

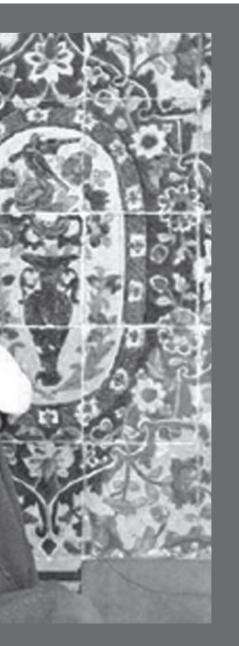
۱. **حوزه مدینه:** حوزه مدینه را باید همزمان با حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد ارزیابی قرار داد. حضور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در مدینه بعد از هجرت، آن جا را به بزرگ‌ترین مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل کرد. افزون بر خاندان علی (علیه السلام)، سلمان فارسی یکی از تربیت یافتگان حوزه مدینه است که به مقام «سلمان منا اهل‌البیت» نایل آمد. یکی از رخدادهای حوزه مدینه در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، اعزام مبلغان و قرآن‌شناسان از جانب آن حضرت است.

۲. **حوزه کوفه:** کوفه، محل سکونت و رفت‌وآمد گروه‌های دینی و مذهبی بود. آیین‌هایی نظیر زرتشتی، مانوی و ... از جمله مذاهب و آیین‌هایی بودند که به عنوان اندیشه دینی در برابر جهان‌بینی اسلامی و توحیدی مطرح بودند و امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه‌های خویش به مبارزه با آن اندیشه‌ها برمی‌خاستند و اصول و مبانی شرک‌آلود آنها را با برهان‌های عقلی رد می‌کردند. همچنین در دوره‌های نخستین حوزه علمیه کوفه، سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) از سوی اصحاب خاص آن حضرت، تفسیر می‌شد. اوج تکامل این حوزه را باید در زمان امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) دانست.

۳. **حوزه نجف اشرف:** این حوزه پربار و پرسابقه - همان‌طور که در قبل هم ذکر شد - توسط شیخ الطائفه، شیخ طوسی، بنیان نهاده شد. شهر نجف پیش از هجرت شیخ طوسی، سرزمینی بود که برخی از علویان و شیعیان خاص امام علی (علیه السلام) در خود جای داده بود؛ ولی با هجرت این عالم نامدار، دانشجویان علوم اسلامی، نجف اشرف را به مرکز شیعه و دانشگاه بزرگ تشیع تبدیل کردند. شیخ طوسی در ۱۲ سال پایانی عمر شریف خود به تحکیم و غنی شدن حوزه علمیه نجف در زمینه‌های علمی و معنوی همت گماشت. این حوزه عظیم علمیه، با قدمت بیش از هزار سال، سال‌های متمادی مرکز تربیت و تجمع زعمای بزرگ شیعه بوده است. با نگاهی به نام برخی از تربیت‌یافتگان حوزه نجف، عظمت و برکت بزرگ این دانشگاه

معظم اسلامی بیش از پیش مشخص خواهد شد. بزرگانی نظیر: شیخ طوسی، فاضل مقداد، محقق ثانی، مقدس اردبیلی، سید محمد مهدی بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف‌الغطا، شیخ مرتضی انصاری، علامه میرزا محمدحسن نائینی، آیت‌الله سیدمحسن حکیم، آیت‌الله سیدابوالقاسم خوئی و ... در این حوزه مبارکه پرورش یافتند.

۴. **حوزه بغداد:** با افزوده شدن بر سابقه تاریخی شهر بغداد، تجمع شیعیان در آن جا افزایش یافت تا این‌که در قرن سوم و چهارم هجری، مرکز عمده شیعیان شد. اولین مرتبی این حوزه را باید امام موسی کاظم (علیه السلام) دانست. ایشان افزون بر سلوک علمی و ترغیب دانشجویان به تعقل و تفکر، آنان را به سلوک عملی نیز آشنا می‌ساخت. حوزه علمیه بغداد، به علت ضعف دستگاه حاکم عباسی و ظهور شخصیت‌های بزرگ، به اوج شکوفایی خود رسید و «الکافی» نخستین



در حوزه کربلا، بحث‌های پرشور اجتماعی، توسط مرحوم وحید بهبهانی رحمته در برابر مکتب اخباری‌گری بنیان‌گذاری شد و از این جهت نقطه عطفی در تاریخ حوزه‌ها به وجود آورد.

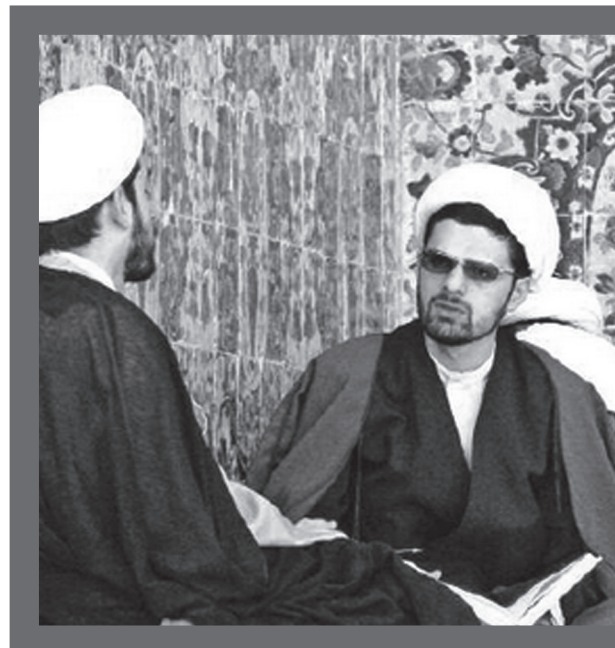


حوزه علمیه بغداد، به علت ضعف دستگاه حاکم عباسی و ظهور شخصیت‌های بزرگ، به اوج شکوفایی خود رسید.

امام بزرگوار، پیکر مطهرشان در «مقابر قریش» بغداد به خاک سپرده شد تا عملاً این مکان مقدس به محلی برای اجتماع شیعیان جهت عرض ارادت تبدیل گردد. «معزالدوله» در سال ۳۳۶ ه. ق مزار مطهر این دو امام را تجدید بنا نموده و به صورت صحنی مجلل درآورد. در اطراف صحن نیز حجرات متعددی برای سکونت و تحصیل طلاب فرقه امامیه ساخت و از شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی جهت ساماندهی به این حوزه علمیه دعوت به عمل آورد و بدین ترتیب حوزه علمیه کاظمین در امتداد حوزه علمیه بغداد تأسیس و راه اندازی شد. از مهم‌ترین تربیت‌یافتگان و دانشمندان این حوزه می‌توان به شیخ احمد بن شیخ محمدحسین بن هاشم کاظمی، سید حسین علی بن سید نورعلی حسینی بغدادی، شیخ عبدالنبی کاظمی و ... اشاره نمود.

۶. **حوزه سامرا:** با ورود دو امام بزرگوار حضرت امام هادی علیه السلام و حضرت امام حسن عسگری علیه السلام به سامرا، عملاً حوزه علمیه این شهر بنا نهاده شد. هر چند تزیینات اعمال شده از سوی حکام جائر عباسی، دسترسی به آن دو حضرت به ویژه امام عسگری علیه السلام را سخت می‌نمود، ولی با این حال نشر معارف الهی به صورت حضوری، مکاتبه‌ای و یا مخفیانه ادامه می‌یافت. این حوزه همانند حوزه نجف، مرکز پژوهش انسان‌های وارسته‌ای شد که هر کدام از آن‌ها بعدها موجب تحوّل بنیادین در تاریخ فقه شیعه شدند. از جمله زعما و پرورش‌یافتگان این حوزه، دو شخصیت جاودانی یعنی میرزای شیرازی اول - صاحب فتوای تنباکو - و میرزا محمدتقی شیرازی - صاحب فتوای حماسی جهاد با انگلیس - را می‌توان نام برد.

۷. **حوزه کربلا:** حوزه علمیه کربلا در عصر ائمه شیعه علیهم السلام و به دست برخی از راویان حدیث به ویژه «عبدالله بن جعفر حمیری» از شاگردان امام هادی علیه السلام و امام عسگری علیه السلام بنا نهاده شد. سالیان بعد، در این حوزه، بحث‌های پرشور اجتماعی، توسط مرحوم وحید بهبهانی رحمته در برابر مکتب



کتاب از مجموعه مشهور مکتب تشیع، در این عصر تدوین شد. دومین کتاب از کتب اربعه (من لایحضره الفقیه) نیز در این حوزه نگاشته شده است. سومین و چهارمین کتاب از مجموعه کتب اربعه - «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار» - توسط شیخ طوسی به رشته تحریر درآمده است. این حوزه علمیه، یکی از حوزه‌های غنی شیعه در علوم مختلف بوده که علاوه بر علوم اسلامی؛ در علوم شیمی، فیزیک، نجوم، پزشکی و داروسازی نیز دانشمندانی را به خود دیده و از آن‌ها بهره برده است. از نامدارترین دانشمندان این حوزه می‌توان به شیخ مفید، سیدمرتضی و سیدرضی، ابوعلی بن مسکویه، یعقوب کندی و زکریای رازی و ... اشاره کرد.

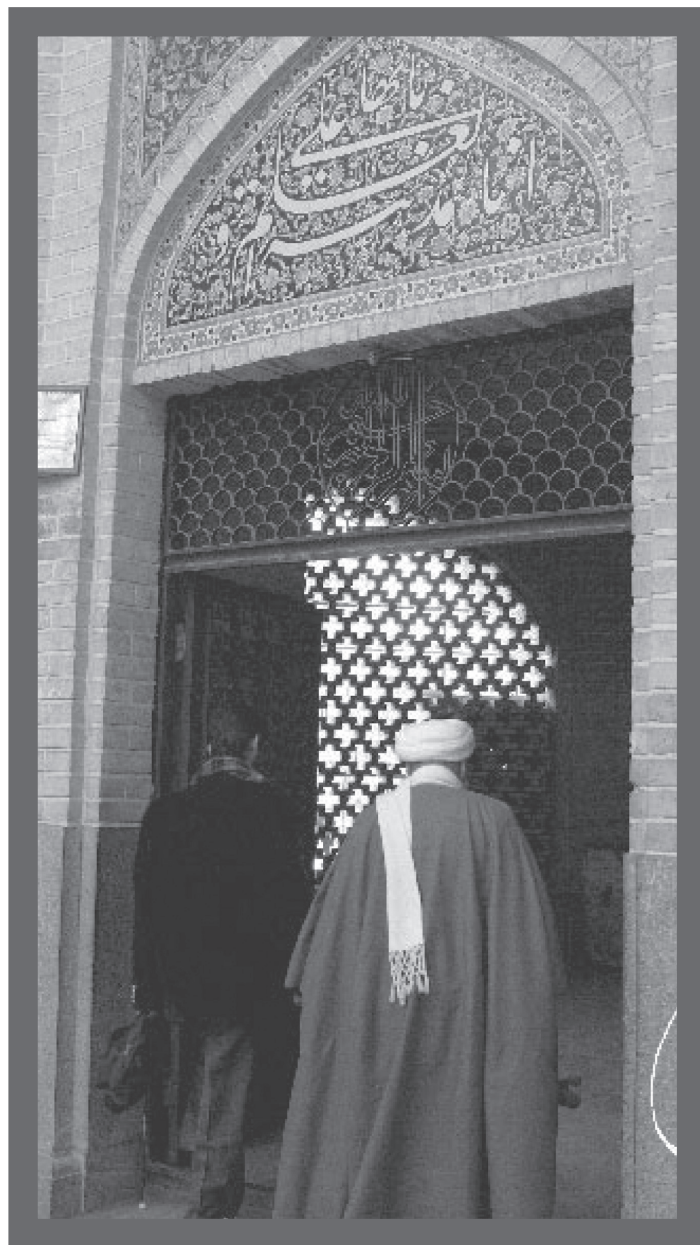
۵. **حوزه کاظمین:** همان‌طور که گفته شد، حوزه بغداد در زمان حیات امام کاظم علیه السلام و بعد از ایشان امام جواد علیه السلام شکل گرفت. بعد از شهادت این دو



اخباری گری بنیان‌گذاری شد و از این جهت نقطه عطفی در تاریخ حوزه‌ها به وجود آورد. از جمله تربیت‌شدگان این حوزه می‌توان به علی بن بابویه قمی، محمدبن یحیی عطار، شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به شهید اول، ابن فهد حلی، شیخ یوسف بحرانی، آیت‌الله سیدمحمد هادی میلانی و ... اشاره کرد.

**۸. حوزه قم:** حوزه علمیه قم هم دارای قدمتی بیش از هزار سال است؛ چرا که در قرن سوم هـ.ق، حدود ۴۶ تن از اصحاب ائمه علیهم‌السلام از قبیل: آدم بن عبدالله قمی، ابراهیم بن محمد الاشعری، محمدبن اسحاق القمی و ... پس از اخذ دانش و توانایی در نشر فرهنگ اسلامی، شهر قم را به عنوان پایگاه شیعه انتخاب نموده و همگی به قم هجرت کردند. این روند در قرن چهارم و پنجم هجری نیز ادامه یافت و عملاً تبدیل به مرکزی پر رونق برای نشر علوم اهل بیت علیهم‌السلام گردید. این حوزه همواره با چالش‌هایی از سوی حاکمان مستبد مواجه بوده؛ اما هیچ‌گاه فعالیت‌های علمی و دینی خود را تعطیل ننمود، تا آن‌که سال‌ها بعد به همت والای حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله که از حوزه کربلا و نجف به ایران مراجعت کرده بود، حوزه علمیه قم تجدید سازمان شد. این حوزه، امروزه به عنوان قلب تپنده جهان اسلام، نقش کلیدی در تبلیغ، ترویج و تحکیم علوم اسلامی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام داشته و ده‌ها هزار طلبه فاضل در محضر درس اساتید نامدار آن به کسب معارف الهی و علوم محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشغول‌اند. مشهورترین دانشمندان این حوزه عبارت‌اند: از حضرات آیات عظام سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت، سیدمحمدحسین بروجردی، امام خمینی، سیدشهاب‌الدین مرعشی، سیدمحمدرضا گلپایگانی، شیخ‌محمدعلی اراکی و ...

**۹. حوزه مشهد:** با حضور امام هشتم شیعیان در ایران، حوزه‌ای به گستره مدینه تا خراسان شکل گرفت، زیرا حضرت در طی عبور از شهرهای مابین مدینه تا خراسان، به نشر معارف علوی اهتمام جدی می‌ورزید. در آن دوران، حوزه علمیه مشهد خاص این شهر نبود، بلکه به خراسان بزرگ اختصاص داشت. این حوزه علمیه سیار، پس از شهادت آن امام به حوزه‌ای متمرکز در جوار مضجع شریفش مبدل شد. شیعه از آن پس این نقطه را مرکز علمی و فرهنگی خویش قرار داد و با ایجاد حلقه‌های درس در کنار تربت امام رضا علیه‌السلام بر رونق منطقه افزوده شد. از مهم‌ترین و معروف‌ترین علما و فضلاء حوزه علمیه مشهد می‌توان بزرگانی نظیر: شیخ طبرسی، میرزا مهدی خراسانی



معروف به شهید ثالث، شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری و ... را نام برد.

**۱۰. حوزه اصفهان:** این حوزه نیز دوشادوش با حوزه‌های معروف نجف، قم و ... نقش معتناهی در تربیت طلاب و فضلالی شهیر عالم اسلام داشته و دارد. مؤسس این حوزه؛ محقق کرکی بود که با تلاش‌های قابل ستایش آیت‌الله عبدالله تستری این تاسیس تقویت شد و بعدها پرورش یافتگان و زعمای آن از قبیل: شیخ بهایی، میرداماد، ملاصدرا، علامه مجلسی اول و دوم، میرزا علی شیرازی، سیدحسن مدرس و ... به مسیر بالندگی این حوزه عظیم علم، تداوم بخشیدند.

البته در این بین می‌توان از حوزه‌های پر بار دیگری مانند حوزه جبل عامل، حوزه ری، حوزه حله و ... نام برد که به علت پرهیز از تطویل کلام، از توضیح درباره آن‌ها خودداری می‌شود.<sup>۷</sup>

### سخن پایانی

همان‌گونه که گفته شد، سابقه و ریشه شکل‌گیری حوزه‌های علمیه، به دوران نبی مکرم اسلام ﷺ برمی‌گردد و بدین ترتیب، اهمیت و ویژگی خاص این نهاد علمی - معنوی با توجه به ارتباط وثیقش با دین، به خوبی آشکار می‌شود. به گواه تاریخ، حوزه‌های علمیه در طول مدت حیات بیش از هزار و چهارصد ساله خود، نقش به‌سزایی در پیشبرد علوم و معارف الهی و بشری و ایجاد زمینه‌های انس بین علم و دین و عقل و وحی داشته است. حضور هزاران عالم برجسته دینی که همگی تربیت شده حوزه‌های علمیه بودند، در پررنگ‌تر شدن این نقش مهم حوزه‌ها، مساعی فراوانی را به کار گرفتند و در جهادی عظیم و ستودنی، در بسط و ترویج اندیشه‌های ناب الهی و آموزه‌های نبوی و علوی تلاش ویژه و شگرفی را مبذول داشتند. از شیخ مفید و شیخ طوسی تا شهید ثانی و محقق کرکی و از شیخ بهایی و شیخ انصاری

تا آیت‌الله بروجردی و امام خمینی که همگی آنان از تربیت یافتگان ممتاز حوزه‌های علمیه بوده‌اند، توانستند حوزه‌های علوم دینی را به مانند عهد پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره متعالی و پویا نگه داشته و به مرکزی جهت تبیین و ترویج معارف حقه و علوم الهی و بشری تبدیل نمایند. در دوران نهضت پربار امام روح‌الله خمینی (علیه‌السلام) نیز رهبری این جریان بر عهده حوزه علمیه قرار گرفت تا با کمک روحانیون و دانشگاهیان و اقشار گوناگون ملت، بزرگترین انقلاب دینی قرن را رقم زده و نظامی مردمی مبتنی بر آموزه‌های دینی بنا نهاد. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نقش حوزه‌های علمیه در شکل‌گیری نظامی دینی و الهی کاملاً پر رنگ بود. چه آن‌که در حصار خوفناک و ایدئولوژی «غیر اسلامی» و «واسطه‌ای» که اولی در لفافه تجدّدخواهی و سوسیالیستی عرضه می‌شد و دومی از نهضت خداپرستان سوسیالیست تا ایده‌های سازمان مجاهدین خلق را شامل می‌گشت، این حوزه‌های علمیه بودند که ایدئولوژی اسلامی را با مؤلفه قرآن و سنت عرضه کردند و در دفاع از مبانی دینی انقلاب، نقش محوری ایفاء نمودند. در حال حاضر نیز حوزه‌های علمیه، همچنان فعال و بانشاط با پشتوانه قوی تاریخی، دینی و علمی، به پاسداری از دین و پیشبرد علوم و معارف الهی بشری می‌پردازند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. توبه، آیه ۱۲۲.
۲. مرتضی مطهری؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ ج ۲، صص ۴۵۳ - ۴۵۱.
۳. حجر، ۴.
۴. سید کباری، سیدعلیرضا؛ حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان؛ صص ۱۴ - ۱۳.
۵. حوزه؛ کاستی‌ها و بایسته‌ها؛ صص ۲۷۵.
۶. عمید زنجانی، عباسعلی؛ انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن؛ تهران: نشر کتاب سیاسی، ۱۳۶۷، صص ۳۳ - ۳۲.
۷. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخ حوزه‌های علمیه در سرتاسر جهان اسلام ر.ک به حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، سیدعلیرضا سیدکباری؛ صص ۷۳۲ - ۱۲۷.

امروزه حوزه علمیه قم به عنوان قلب تپنده جهان اسلام، نقش کلیدی در تبلیغ، ترویج و تحکیم علوم اسلامی و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد.

حوزه‌های علمیه در طول مدت حیات بیش از هزار و چهارصد ساله خود، نقش به‌سزایی در پیشبرد علوم و معارف الهی و بشری و ایجاد زمینه‌های انس بین علم و دین و عقل و وحی داشته است.